

تحلیلی بر امکان‌پذیری صدور لیسانس اجباری در حوزه علائم تجاری

ابراهیم رهبری**

نیکتا روزبهرانی*

چکیده

نظام‌های حقوقی در عمل، به لیسانس اجباری به‌عنوان ابزار تعدیل‌کننده حقوق انحصاری دارنده حق اختراع و گاه سایر مصادیق دارایی‌های فکری به دیده تردید می‌نگرند. در قلمرو مالکیت‌های فکری، مسئله صدور مجوز بهره‌برداری اجباری در مورد علائم تجاری، با چالش‌ها و تردیدهای جدی‌تری مواجه است و منع صریح موافقت‌نامه تریپس نیز بر دامنه این تردیدها افزوده است. این موارد، ما را بر آن داشت تا برای نخستین بار به پرسش مربوط به امکان تعمیم مبانی صدور لیسانس اجباری در حوزه اختراعات به حوزه علائم تجاری پاسخ دهیم. در مقاله حاضر تلاش شده است که از طریق واکاوی کارکرد اساسی علائم تجاری در بازار و مقایسه میان ویژگی‌های حقوق اختراعات و نشان‌های تجاری و همچنین با تکیه بر موازین بین‌المللی، دکترین و رویه قضایی و رقابتی نظام‌های مختلف حقوقی، به‌ویژه آمریکا و اتحادیه اروپا، این موضوع از دو منظر اصلی منافع عمومی و ملاحظات رقابتی تحلیل شود. به‌علاوه، بررسی دیدگاه حقوق ایران در مورد لیسانس اجباری علائم تجاری و تطبیق یافته‌های حاصل بر رهیافت‌های فعلی حقوق ایران نیز در این نوشتار مورد توجه بوده است. بررسی موضوع نشان می‌دهد که نمی‌توان لیسانس اجباری علائم تجاری را به استناد وجود منافع عمومی و حمایت از حقوق مصرف‌کننده یا مقابله با رفتارهای ضدرقابتی دارنده علامت تجاری توجیه کرد و پذیرش لیسانس اجباری در عرصه علائم تجاری بسیار دشوار است.

واژگان کلیدی: حقوق رقابت، علامت تجاری، گمراهی مصرف‌کننده، لیسانس اجباری، منافع عمومی.

* کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

nikta.roozbahani@gmail.com

** استادیار گروه حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق مالکیت فکری و فضای مجازی، دانشکده حقوق، دانشگاه

rahbarionlaw@gmail.com

شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

سرآغاز

از مهم‌ترین اهداف حقوق علائم تجاری، کمک به مصرف‌کننده در راستای تمییز بین کالاها و خدمات است. همچنین از نگاهی دیگر، حمایتی که از صاحب علامت تجاری به عمل می‌آید در راستای حفظ بازار و سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها در فعالیت‌های اقتصادی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از سویی مقررات خاصی در زمینه اعطای لیسانس اجباری در حوزه علامت تجاری وجود ندارد و از دیگر سو، ماده ۲۱ موافقت‌نامه تریپس به صراحت چنین لیسانس‌هایی را نفی می‌کند: «...اعطای پروانه اجباری برای علائم تجاری مجاز نخواهد بود و مالک علامت تجاری ثبت‌شده حق خواهد داشت علامت تجاری را با یا بدون انتقال کسب‌وکاری که این علامت تجاری به آن مربوط می‌شود، واگذار کند». به علاوه در پرونده‌هایی، مسئله لیسانس اجباری در حوزه علائم تجاری، چالش‌هایی را رقم زده است. در این نوشتار تلاش می‌کنیم به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که در مواقع غیاب مقرره خاصی درباره صدور لیسانس اجباری در حوزه علامت تجاری، می‌توانیم قاعده صدور لیسانس اجباری در حوزه اختراع را به این حوزه نیز تعمیم دهیم و آیا چنین تجویزی، واجد مزیت‌های لیسانس اجباری اختراعات است؟ در تحلیل موضوع، نخست به موضوع منافع عمومی و رابطه آن با لیسانس اجباری می‌پردازیم، سپس ملاحظات رقابتی را که نقش مهمی در تجویز این دست مجوزها ایفا می‌کنند، بررسی و در قسمت سوم، رویکرد حقوق ایران را تحلیل کرده و در خاتمه نیز نتایج حاصل را ارائه خواهیم کرد.

۱. حراست از منافع عمومی و توجیه‌پذیری صدور لیسانس اجباری علائم تجاری

ارائه تعریفی از منفعت عمومی دشوار است و در مجموع می‌توان آن را «چیزهایی دانست که برای توده مردم مطلوبیت دارد و همگان را بهره‌مند می‌کند». به اعتقاد ژان ژاک روسو، منفعت عمومی، دربرگیرنده نفع خصوصی جهان‌شمول است؛ به این معنا که چیزی می‌تواند دارای نفع عمومی باشد که همگان تمنای آن را داشته باشند (منصوریان و شیبانی، ۱۳۹۵:

۱۱۷). نظریه دیگری که وجود دارد این است که منافع اکثریت عددی مردم، نفع عمومی را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که پایه و اساس یک جامعه دموکرات را تحمیل خواست اکثریت افراد بر اقلیت تشکیل می‌دهد، در ارزیابی منافع نیز همین معیار کارا خواهد بود و منافع اقلیت فدای منافع اکثریت خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۷). در گستره مفهوم منفعت عمومی، مصادیق مختلفی جای می‌گیرند. در این قسمت پیوند میان منافع عمومی و حقوق انحصاری را تبیین و تعمیم‌پذیری آن به حوزه علائم تجاری را بررسی می‌کنیم.

۱-۱. لزوم حراست از منفعت عمومی در برابر حقوق انحصاری

اعطای حقوق انحصاری به دارندگان دارایی‌های فکری، از یک سو موجب تشویق نوآوران و در نهایت دسترسی به این حقوق برای عموم می‌شود و از طرف دیگر می‌تواند نقطه تلاقی و تعارض حقوق مالکیت فکری و منافع عمومی باشد. یکی از مواردی که اعمال حقوق انحصاری توسط صاحب حق اختراع را به چالش می‌کشد، مسئله منفعت عمومی است (Allen, 2013: 1052). برای مثال، صاحب یک حق اختراع دارویی حقوق انحصاری نسبت به آن است اما منافع عمومی که در قامت حفظ سلامت عموم مطرح می‌شود، چه بسا اعمال این حقوق انحصاری را در موارد استثنایی برنتابد. لذا موازین بین‌المللی نظیر تریپس و اعلامیه دوحه، راهکار لیسانس اجباری را برای حل این مشکل و به منظور تسهیل دسترسی عموم به دارایی فکری تجویز کرده‌اند (Wijesinghe, 2018: 2). در بند نخست ماده ۸ موافقت‌نامه تریپس تصریح شده است: «اعضا در وضع یا اصلاح قوانین ملی خود، باید اقداماتی به منظور حفظ سلامت عموم و ارتقای منفعت عموم در بخش‌های حیاتی اقتصادی - اجتماعی جامعه و پیشرفت‌های تکنولوژیک، اتخاذ کنند که همسو با مقررات این موافقت‌نامه باشد». قوی‌ترین توجیه در صدور لیسانس اجباری این است که محدودیتی بر حقوق مالکانه دارنده دارایی فکری رقم می‌زند تا از این طریق، منافع عمومی برآورده شود. در ماده ۷ تریپس آمده که حقوق مالکانه شخصی باید به گونه‌ای اعطا شود که «منجر به رفاه اجتماعی و اقتصادی شود». لیسانس اجباری با کارکرد خاص خود،

فرصت بهره‌گیری اشخاص زیادی را از اختراعات فراهم می‌سازد. از سوی دیگر با تعیین عوض، خسارت وارده به دارنده فناوری جبران می‌شود (Marotta, 2013: 220). بند پنجم اعلامیه دوحه در این راستا تصریح می‌کند: «هر عضو سازمان تجارت جهانی حق صدور لیسانس اجباری و آزادی در تعیین مبانی و زمینه‌های صدور آن را دارد» و بحران سلامت عموم می‌تواند دستاویز مناسبی برای اعطای مجوز بهره‌برداری اجباری باشد. یکی از تازه‌ترین مصادیق این وضعیت، بحران کنونی همه‌گیری کرونا است. در این برهه برخی اظهار داشته‌اند که شرکت‌های واکسن‌سازی نباید از انحصار برخوردار باشند و طبیعتاً طریق شکستن قانونی این انحصار، صدور لیسانس اجباری در مورد فناوری ساخت این واکسن‌هاست. هم‌چنین گاه صدور لیسانس اجباری به‌عنوان پاسخی برای این بحران در نظر گرفته شده است. در مارس ۲۰۲۰، رژیم صهیونیستی، لیسانس اجباری را به منظور وارد کردن نوع ژنریک داروی ضدویروس لویپیناویر/ ریتوناویر^۱ به‌عنوان دارویی برای درمان احتمالی کرونا، صادر کرد. قانون پاسخ فوری به کووید-۱۹^۲ کانادا نیز ضمن اصلاح قانون اختراع، فرایند سریع‌تر صدور لیسانس اجباری را در زمینه سلامت عموم مجاز شمرده است. این اصلاحیه به دولت کانادا اجازه اعطای مجوز اجباری فوری اختراعات دارویی مربوط و تعویق مذاکرات بر سر تعیین و پرداخت حق امتیاز را می‌دهد. مجمع نمایندگان کشور شیلی نیز اخیراً مصوبه صدور لیسانس اجباری به‌منظور پیش‌گیری و درمان کرونا را تصویب کرد (Wong, 2020: 4-5).

از جنبه قضایی نیز این مسئله مورد توجه بوده است. در برخی موقعیت‌ها منفعت عمومی در دسترسی به یک فناوری، بر منفعت صاحب حق اختراع در صدور قرار منع ناقضان حق، اولویت پیدا می‌کند. در آمریکا از گذشته‌های دور (برای مثال در پرونده ورود فاضلاب خام به دریاچه میشیگان)^۳ صاحب حق اختراع از امتیازات دستور منع در مواردی

1. lopinavir/ ritonavir

2. COVID-19

3. City of Milwaukee v. Activated Sludge, Inc (1934)

که در اثر منع استفاده از اختراع، آسیب جدی به منفعت عمومی وارد می‌شود، محروم شده است (Cotter, 2013: 56).

۱-۲. تعمیم یا عدم تعمیم مبنای منفعت عمومی به عرصه علائم تجاری

اگر دارنده یک علامت تجاری مربوط به مواد غذایی از عرضه محصولات خود به هر دلیلی تحت نشان تجاری مذکور در بازار امتناع بورزد، آیا مراجع قانونی می‌توانند به شرکت‌های رقیب، اجازه بهره‌برداری از نشان مذکور را بر روی محصولات خودشان بدهند؟ دارنده علامت چه‌بسا سال‌ها برای بسط شهرت و اعتبار آن تلاش کرده تا علامت در میان عموم شناخته شود؛ آیا به صرف عدم استفاده، می‌توان وی را مجبور به اعطای لیسانس به دیگران کرد؟ در پاسخ باید گفت که در مقایسه با اختراعات، صدور مجوز اجباری در علامت تجاری به سادگی توجیه‌پذیر نیست: نخست اینکه حق اختراع، امتیازی انحصاری به مدت مشخص (۲۰ ساله) است که توسط دولت شناسایی و تجویز می‌شود و اعطای آن، به مبدعان انگیزه نوآوری می‌بخشد. به علاوه مالک اختراع تا هنگامی که آن را برای عموم افشا نکرده باشد نمی‌تواند از امتیازات قانونی برخوردار شود؛ درحالی که علامت تجاری حقی است همیشگی (به شرط تمدید در پایان هر ۱۰ سال و در برخی نظام‌ها، دارنده علامت مجبور به ثبت آن نیست بلکه تا قبل از ثبت هم استفاده از آن مجاز است ولی به منظور دریافت حمایت‌های قانونی شایسته، بهتر است مبادرت به ثبت آن کند: Holmes, 1980: 64). دوم اینکه کارکرد علامت تجاری برخلاف اختراع، صرفاً در راستای منافع تولیدکننده نیست بلکه وظیفه محافظت از مشتری و جلوگیری از گمراهی وی در خصوص مبدأ کالا

قرار منع به معنای جلوگیری ناقضان حق اختراع از ادامه بهره‌برداری از اختراع ثبت شده است (Michel, 2020, [html](#)). در مواقعی که دارنده حق اختراع به اتکای حقوق انحصاری خود، از بهره‌برداری دیگران از اختراع جلوگیری می‌کند و خود نیز به بهره‌برداری نمی‌پردازد، لیسانس اجباری به کمک عموم می‌آید. برای نمونه، دادگاه منطقه‌ای آمریکا در پرونده فوق‌الذکر، از صدور قرار منع به نفع دارنده حق اختراع امتناع ورزید؛ چراکه این امر کل جامعه را از دسترسی به ابزارهای بهداشتی به‌منظور دفع فاضلاب خام محروم می‌کرد (Castanias, [Gregory & Gerber, Susan, 2005: html](#)).

را نیز بر عهده دارد. هدف اصلی حقوق علامت تجاری، حمایت از مصرف‌کننده است تا از این طریق وی از انتخاب کالا یا خدمت مورد نظر خود در بازار اطمینان یابد. هدف فرعی و ثانویه، حمایت از تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان کالا و خدمات در برابر رقبا است (Reese, 2012: 912). در واقع حقوق ناظر به علامت تجاری عمدتاً حمایت از مصرف‌کننده را غایت خود قرار می‌دهد و صاحبان علامت تجاری بیشتر مجریان امر منفعت عمومی محسوب می‌شوند (Tushnet, 2018: 10).

در مجموع در حوزه علامت تجاری، از آن جهت که منفعت عمومی مصرف‌کننده در متمایز کردن کالاها و خدمات است، حتی‌الامکان باید از صدور لیسانس اجباری علامت تجاری خودداری کرد، زیرا احتمال عدم رعایت استانداردهای کیفی توسط لیسانس‌گیرنده زیاد است و کاهش کیفیت می‌تواند لطماتی را معطوف مصرف‌کننده کرده و نارضایتی وی را در پی داشته باشد. هم‌چنین نمی‌توان گفت که صرف عدم استفاده از علامت تجاری، منافع عمومی در این حیظه (دسترسی به کالا یا خدمات) را به خطر می‌اندازد، زیرا دارنده علامت تجاری صرفاً قصد عدم بهره‌برداری از علامت را دارد نه اینکه کالا یا خدمات تحت علامت را تولید یا ارائه نکند. لذا با استناد به مبنای منفعت عمومی نمی‌توان صدور لیسانس اجباری را در قلمرو علائم تجاری توجیه کرد. برخی ابطال علامت تجاری در اثر عدم استفاده در یک بازه زمانی معقول را که در قسمت نخست از بند سوم ماده ۵ کنوانسیون پاریس در حمایت از مالکیت صنعتی نیز آمده است، نوعی لیسانس اجباری غیرمستقیم در راستای منافع عمومی تلقی کرده‌اند، زیرا از این طریق، علامت مزبور در اختیار عموم قرار می‌گیرد؛ اما واقعیت این است که این دو، مفاهیمی کاملاً متفاوت هستند و اطلاق عنوان لیسانس اجباری به این موقعیت وجهی ندارد (Abbott & Gurry, 2019: 446).

در بند e ماده ۳۱ تریپس درباره شرایط لیسانس اجباری اختراع اشاره شده است که حق بهره‌برداری پیرو لیسانس اجباری قابل انتقال به غیر نیست؛ مگر با انتقال بخشی از بنگاه یا «شهرت تجاری»^۱ آن. اشاره به شهرت تجاری در این فراز از ماده، به باور برخی

صاحب‌نظران، قابل انتقاد و گمراه‌کننده است، زیرا شهرت تجاری مرتبط با موضوع علامت تجاری است که صراحتاً صدور لیسانس اجباری در مورد آن منع شده است (Dratler & McJohn, 2020: 46). در نظر بعضی، به‌رغم منع صریح تریپس، اعضای سازمان جهانی تجارت با قدری انعطاف، فرصت و قدرت مانور مواجه هستند؛ مشروط بر آنکه چنین تدابیری بر کارکرد اصلی علائم تجاری یعنی حمایت از مصرف‌کننده در برابر گمراهی و خدعه تأثیر منفی نگذارد و از این رو می‌توان از ابزار لیسانس اجباری در قلمرو علائم تجاری با احتیاط بسیار بهره گرفت (De Carvalho, 2018: 21). برای مثال در موقعیتی ممکن است لیسانس اجباری نسبت به یک اختراع دارویی صادر شود در حالی که بسته‌های دارو دارای علامت تجاری خاصی متعلق به دارنده اختراع است (برای نمونه یک ترکیب رنگی خاص) که برای پزشکان، بیماران و عرضه‌کنندگان دارو کاملاً شناخته شده است و اگر این علامت همراه با اختراع به لیسانس داده نشود، اشخاص مرتبط با دارو، دچار سردرگمی می‌شوند. برخی پیشنهاد کرده‌اند در چنین موقعیت‌های استثنایی، از لیسانس اجباری علائم تجاری استفاده شود؛ اما به نظر نمی‌رسد که این راهکار با توجه به منع صریح ماده ۲۱ تریپس امکان‌پذیر یا حتی ضروری باشد. در چنین مواردی می‌توان از ظرفیت ماده ۱۷ تریپس بهره جست و آن را نوعی استثنای مربوط به استفاده منصفانه قلمداد کرد؛ اما در هر حال لیسانس اجباری در چنین موقعیت‌هایی نیز محتملی پیدا نمی‌کند و در عمل، شاهد هیچ موردی نیستیم که صدور این نوع لیسانس اجباری را امکان‌پذیر بداند (Abbott & Gurry, 2019: 446). در همین راستا پرونده ذیل قابل توجه است:

در سال ۲۰۱۰، در کشور چین یک شرکت ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی به منظور ثبت علامت تجاری ویچت^۱ در زمینه ارائه خدمات ارتباطات از راه دور اقدام کرد. در ۲۰۱۱، یک ارائه‌کننده سرویس خدمات اینترنتی دیگر موسوم به تِسِنِت^۲، سرویس پیام‌رسان اینترنتی خود را با علامت ویچت ارائه کرد. در نوامبر ۲۰۱۴، تعداد کاربران سرویس اخیر به

1. Wechat
2. Tencent

۸۰۰ میلیون رسید و در صنعت ارتباطات موبایلی به جایگاه ویژه‌ای دست یافت. دادگاه مالکیت فکری پکن علی‌رغم وجود سابقه ثبت علامت و ییچت آن را به رسمیت شناخت و دلیل تصمیم خود را شناخت سابق از این علامت نزد گروه عظیمی از کاربران اعلام کرد که تغییر یا نادیده گرفتن این شناخت می‌توانست هزینه‌های مختلفی را به بار آورد. تعداد کاربران تِنسِنِت پس از ثبت علامت مذکور افزایش یافته و منع استفاده از علامت، نه تنها منافع خصوصی بنگاه یادشده را تحت تأثیر قرار می‌داد بلکه زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میلیون‌ها کاربر چینی را نیز مختل می‌کرد. لذا از نظر دادگاه علامت تجاری و ییچت فراتر از محدوده منافع خصوصی رفته و وارد قلمرو منافع عمومی شده بود (Dong, 2015: [.html](#)). شایان ذکر است که در این پرونده صدور لیسانس اجباری در حوزه علامت تجاری به استناد وجود منفعت عموم رخ نداد بلکه دادگاه چینی اجازه ثبت علامت سابقاً ثبت شده را به دلیل منفعت عمومی میلیون‌ها کاربر برای شرکت تِنسِنِت صادر کرد؛ اما همان‌طور که اشاره شد تاکنون پرونده‌ای یافت نشده است که به دلیل مبنای منفعت عمومی، لیسانس اجباری برای یک علامت تجاری را قابل قبول بداند.

۲. ملاحظات رقابتی و صدور لیسانس اجباری در حوزه علائم تجاری

در این قسمت یکی دیگر از مبانی مهم صدور لیسانس اجباری در حقوق اختراعات، یعنی ملاحظات رقابتی را در پرتو نظریه‌های مطروح تحلیل کرده و قابلیت تعمیم مباحث مرتبط را به عرصه علائم تجاری به محک گذاشته و در نهایت با ذکر چند پرونده، موضوع را تبیین می‌سازیم.

۲-۱. ملاحظات نظری و کلی صدور لیسانس اجباری دارای‌های فکری

ملاحظات رقابتی مبتنی بر نظریه‌هایی همچون سوءاستفاده از اختراع، سوءاستفاده از موقعیت مسلط و «دکترین تسهیلات ضروری»^۱ است که گاه لیسانس اجباری را در برخی عرصه‌ها موجه می‌سازد. قسمت دوم از بند نخست ماده ۵ کنوانسیون پاریس تصریح می‌کند: «هریک از اعضا حق دارند اقدامات قانونی را به‌منظور صدور لیسانس اجباری اتخاذ کنند تا از سوءاستفاده‌ای که ممکن است در نتیجه اعمال حقوق انحصاری دارنده حق قانونی اختراع، به‌عنوان مثال عدم استفاده از اختراع ایجاد شود، جلوگیری کنند». طبق بند مذکور، عدم استفاده از اختراع به‌مثابه یکی از مصادیق سوءاستفاده از حقوق انحصاری مطرح است که می‌تواند تحت شرایطی به صدور لیسانس اجباری منجر شود (Wegner, 2005: 165). قسمت دوم ماده ۸ تریپس به اعضاء این اجازه را داده است که در حقوق داخلی خود تدابیری را پیش‌بینی کنند تا بدین‌وسیله از سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری توسط دارندگان این حقوق جلوگیری کنند. پیش‌بینی صدور لیسانس اجباری در قوانین داخلی کشورهای عضو را می‌توان از قسمت دوم ماده ۴۰ که مربوط به اتخاذ اقدامات مناسب توسط اعضاء به‌منظور مقابله با رفتارهای ضدرقابتی است، استنباط کرد. اگرچه این ماده ضمانت اجرای لیسانس اجباری را در مواقع سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری به‌طور صریح ذکر نکرده است و از سایر ضمانت اجراها چون شرط انحصاری اعطای کلیه پیشرفت‌های ناشی از فناوری موضوع قرارداد لیسانس توسط لیسانس‌گیرنده، شرط عدم به‌چالش کشیدن اعتبار موضوع قرارداد لیسانس، لیسانس متقابل نام برده است، لیکن این موارد تمثیلی بوده و محصور به موارد ذکر شده نیست. همچنین با عنایت به شرایط صدور لیسانس اجباری در ماده ۳۱ و همچنین بند ۱۱ این ماده که رعایت شرایط مندرج در بند ۲ (مذاکره ناموفق قبلی با دارنده حق به‌جز در موارد ضرورت ملی یا سلامت عموم یا استفاده غیرتجاری و شخصی) و بند ۶ (استفاده از موضوع لیسانس در بازارهای داخلی کشور لیسانس‌گیرنده) را در هنگام شناسایی رفتارهای ضدرقابتی لازم نمی‌داند، این فرض تقویت می‌شود.

اگرچه صدور لیسانس اجباری، از سویی موجب کاهش انگیزه نوآوری در بلندمدت می‌شود ولی از جانب دیگر، با کاهش قدرت در بازار مربوطه و افزایش تولید و کاهش قیمت، موجب تشدید رقابت می‌شود. هم‌چنین مزیت مهم صدور لیسانس اجباری، این است که با تسهیم فناوری با رقبا، احتمال خلق بهبودها و پیشرفت‌های بعدی و پیدایش محصولات جدید افزایش می‌یابد. با وجود این، صدور لیسانس اجباری همچون شمشیری دو لبه عمل می‌کند که در توسل به آن باید حساسیت زیادی به خرج داد (Demiroglou, 2016: 12). در حقوق آمریکا صدور لیسانس اجباری در مواردی جایز شمرده شده که یکی از آنها، موقعیتی است که صاحب حق اختراع در فعالیت‌های ضد رقابتی شرکت می‌کند. با وجود این، دیدگاه غالب این است که امتناع از اعطای لیسانس در گستره مبانی صدور لیسانس اجباری قرار نمی‌گیرد و تلاش‌های مداومی صورت گرفته تا اموال فکری تابع رژیم لیسانس اجباری شود، لیکن این کنش‌ها با مقاومت مواجه شده و معمولاً محاکم هیچ‌گونه مسئولیتی در صورت امتناع از اعطای لیسانس توسط صاحب حق مالکیت فکری قائل نیستند. اگرچه آراء متفاوتی در این باره از سوی مراجع قانونی صادر شده است که قرینه‌ای بر انعطاف جزئی در صدور لیسانس اجباری - به‌مثابه تمهیدی برای مقابله با عدم اعطای لیسانس - در شرایط استثنایی است؛ به‌عنوان مثال، کمیسیون فدرال تجارت در سال ۲۰۰۷، بنگاهی را که از اعطای لیسانس اختراعات حافظه‌های رایانه به دیگران امتناع ورزیده و در مقام سوءاستفاده از موقعیت مسلط و نقض ماده دوم قانون شرمن بود، با ضمانت اجرای صدور لیسانس اجباری مواجه ساخت. علی‌رغم اینکه این تصمیم در دادگاه تجدیدنظر فدرال رد شد لیکن از تمایل نسبی مراجع رقابتی در به‌کار بستن این تمهید حکایت دارد. لیکن در عمل، هنوز لیسانس اجباری به رسمیت شناخته نشده است (رهبری و جعفری چالشری، ۱۳۹۴: ۳۲).

در حقوق اتحادیه اروپا ممکن است دارنده حق اختراع به واسطه برخورداری از نوعی دارایی فکری خاص در جایگاهی قرار بگیرد که قدرت بازاری چشم‌گیری داشته باشد و بتواند به‌صورت یک‌طرفه فضای رقابت را متأثر سازد و در حقیقت در موقعیت مسلطی در

بازار قرار داشته باشد. ماده ۱۰۲ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا چنین سوءاستفاده‌هایی را ممنوع کرده است (Aparajita, 2015: 192). هدف از اعمال این ماده این است که با منع بنگاه دارای موقعیت مسلط از سوءاستفاده از قدرت بازار، بستر رقابت سالم در بازار حفظ شود و از مصرف‌کننده و فضای نوآوری حمایت لازم صورت گیرد (Narmiq, 2018: 185). برای تبیین بیشتر مفهوم سوءاستفاده از موقعیت مسلط در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، خوب است که به پرونده جدیدی در این حوزه اشاره کنیم. دادستان کل ایالت واشنگتن آمریکا در سال ۲۰۲۱ یک دعوی ضد رقابتی مهم علیه بزرگ‌ترین شرکت آنلاین خرده‌فروشی در جهان یعنی آمازون^۱ مطرح کرد. شرکت آمازون با اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های فروش و همچنین شروط قراردادی که از آن تحت عنوان «شرط دولت کامله‌الوداد»^۲ یاد می‌شود، کلیه فروشندگان را از فروش کالاهای خود به صورت شخصی یا در سایر پلتفرم‌های رقیب با قیمتی پایین‌تر و یا با شرایطی بهتر از آنچه در پلتفرم آمازون عنوان شده است، منع کرده بود. این شرط به طرز مؤثری، نه تنها فروشندگان را ملزم می‌کند که قیمت‌های بالای تثبیت شده از سوی شرکت آمازون را در این پلتفرم پیشنهاد داده، بلکه در سایر پلتفرم‌های رقیب نیز این محدودیت قیمتی را رعایت کنند. این موضوع منجر به تقویت موقعیت مسلط آمازون در بازارهای خرده‌فروشی برخط گردیده و به‌علاوه به ایجاد قیمت‌های گزاف در بازارها منجر شده است (Office of the Attorney General for the District of Columbia, 2021). حقوق اتحادیه اروپا برای شرکت‌های دارای موقعیت مسلط مسئولیت ویژه را در صورت سوءاستفاده از موقعیت مسلط در بازار پیش‌بینی کرده است تا طبق موازین حقوق رقابت گام بردارند. هنگامی که: ۱. تأمین‌کننده مواد اولیه دارای موقعیت انحصاری باشد. ۲. رابطه طولانی‌مدت بین تأمین‌کننده و متقاضی وجود داشته و قطع شده است. ۳. خریدار مواد اولیه به دنبال معرفی محصول جدید در بازار ثانویه‌ای است که برای آن تقاضا و مصرف‌کننده وجود دارد. ۴. دلیل منطقی برای امتناع از اعطای لیسانس وجود

1. Amazon

2. Most Favored Nation

نداشته باشد؛ تأمین‌کننده دارای موقعیت مسلط تلقی شده و تحت شرایطی ملزم به اعطای ليسانس می‌شود (Lidgard, 2009: 3). به‌عنوان یک قاعده کلی، دارندگان هر نوع دارایی ملزم به تسهیم مایملک خود با دیگران حتی در ازای پرداخت مبلغی گزاف نیستند. به بیان دیگر، هر فعال بازاری باید حق انتخاب شرکای تجاری و در اختیار گذاشتن آزادانه دارایی‌های خود به دیگران را داشته باشد (Angelov, 2014: 44). هیچ‌گونه الزام عمومی به تسهیم اموال فکری وجود ندارد و دسترسی اجباری باید استثنائی باشد. با این حال، دکترین تسهیلات ضروری، تأکید می‌کند که برخی دارایی‌ها آن‌چنان ضروری هستند که تسهیم اجباری موجه قلمداد می‌شود (Haung, Wang & Zhang, 2015: 1106). طبق این دکترین، هر بنگاهی می‌تواند در شرایط معقولی متقاضی دسترسی به تسهیلاتی باشد که توسط بنگاه دیگری کنترل می‌شود؛ اگر که این تسهیلات به منظور دسترسی متقاضی به بازاری خاص ضرورت داشته باشد (Demiroglou, 2016: 5)؛ به این معنا که شرکت با موقعیت مسلط با جمع شرایطی مجبور به اعطای ليسانس دارایی فکری خود به رقبای خود می‌شود: ۱. موضوع مورد ليسانس باید جدایی‌ناپذیر و ضروری باشد. ۲. حذف رقابت از بازار در نتیجه امتناع از اعطای ليسانس باشد. ۳. امتناع از اعطای ليسانس از ظهور محصول جدید در بازار که متقاضی بالقوه‌ای برای آن وجود دارد، جلوگیری کند. ۴. امتناع از اعطای ليسانس توجیه منطقی نداشته باشد (Graef, 2011: 4). در آمریکا این باور رایج است که اعمال این دکترین در موضوعات حقوق مالکیت فکری، انگیزه نوآوری را کاهش می‌دهد و تبعات منفی آن بر پیامدهای مثبتش پیشی می‌گیرد. در مقابل، اعمال این دکترین البته به صورت محدود در اتحادیه اروپا مقبولیت بیشتری دارد (Haung, Wang & Zhang, 2015: 1104).

۲-۲. امکان تعمیم ملاحظات رقابتی در توجیه صدور ليسانس اجباری علائم تجاری
این مبحث در دو قالب تحلیل موضوع از منظر حقوق رقابت و بررسی پرونده‌های مرتبط مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. تحلیل موضوع از منظر موازین حقوق رقابت

حق انحصاری شناخته‌شده برای مالک علامت نظیر جلوگیری رقبا از ثبت علامت تجاری مشابه یا عیناً یکسان در طبقات همسان، به معنای عدم امکان جایگزینی کالا یا خدمت تولید یا ارائه‌شده نیست. این اعتقاد وجود دارد که انحصارگرایی میان دارندگان علامت تجاری نسبت به سایر حوزه‌های مالکیت فکری خفیف‌تر است و تا جایی این انحصارگری مجاز تلقی می‌شود که از گمراهی مصرف‌کننده جلوگیری کند (Mandly, 2003: 1344). به‌طور کلی دارنده هر نوع علامت تجاری حق امتناع از اعطای لیسانس علامت تجاری خود به سایرین را دارد؛ ولی در چه شرایطی این امتناع می‌تواند سوءاستفاده از موقعیت مسلط تلقی شود؟ صدور لیسانس اجباری در مواقع نقض قوانین رقابتی در حوزه اختراع تدبیری برای اعاده رقابت به بازارهایی است که به‌واسطه اعمال غیرقانونی محدود یا مختل شده و با این تدبیر، فناوری در دسترس رقبای بالفعل و بالقوه قرار می‌گیرد. اگرچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد لیسانس اجباری علامت تجاری می‌تواند تأثیر مشابهی در تنظیم بازارهای متلاطم رقابتی داشته باشد، لیکن تفاوت در ماهیت انحصارهای ایجادشده در حقوق اختراعات با حقوق علائم تجاری، باعث می‌شود که صدور لیسانس اجباری علامت تجاری نسبت به اختراع توجیه‌پذیر نباشد. در معنایی دیگر، اختراع به دارنده حق بهره‌برداری انحصاری از فناوری را که در اغلب مواقع کلید اصلی دسترسی به صنعت مربوط به آن است، اعطا می‌کند در حالی که یک علامت تجاری، دیگران را از فروش محصولات مشابه یا یکسان با علامت تجاری متفاوت محروم نمی‌سازد (Dobb, 1976: 598). علائم تجاری به‌طور سنتی، به‌عنوان شاخصی برای اشاره به مبدأ تولید کالاها مطرح بوده‌اند. با پیچیده‌تر شدن زنجیره تأمین و تولید، این نوع عملکرد علامت تجاری نیز همگام با تحولات شده و علاوه بر تولیدکننده کالا، منشأ کنترل‌کننده کیفیت کالاها را نیز نشان می‌دهد (Calboli, 2020: 489). در وهله نخست هنگامی که یک علامت تجاری به دلیل تبلیغات گسترده و مقبولیت نزد مصرف‌کننده، واجد قدرت چشم‌گیری در بازار می‌شود، لیسانس اجباری می‌تواند ابزار مناسبی در جهت کاهش قدرت بازاری و بهبود فضای رقابت باشد. البته صدور لیسانس

اجباری علامت می‌تواند از جهات مختلف مورد انتقاد قرار گیرد: هنگامی که برای علامتی طی مدت مشخصی لیسانس اجباری صادر می‌شود، پس از اتمام مدت، دوباره صاحب علامت حق انحصاری خود را بر روی علامت کسب می‌کند؛ در حالی که طی مدت مذکور، مصرف‌کنندگان بیشتری تمایل به خرید محصولات، ذیل آن علامت نشان داده و به این ترتیب، دارنده علامت به دلیل افزایش سطح اقبال عمومی به علامتش، قدرت بیشتری در بازار یافته و رقابت با وی سخت‌تر خواهد شد. همچنین مخالفان صدور لیسانس اجباری علامت به این مورد اشاره می‌کنند که با صدور لیسانس اجباری در این حوزه، احتمال گمراهی مصرف‌کننده به هنگام انتخاب کالا و خدمات افزایش می‌یابد، زیرا با سیل عظیمی از علامت تجاری مدنظر خود روبه‌رو می‌شود در حالی که نمی‌داند همان شرکت اصلی تولیدکننده (لیسانس‌دهنده) آن را به بازار ارائه کرده است یا دیگری (لیسانس‌گیرنده). به این ترتیب علامت تجاری در ایفای مهم‌ترین کارکرد خود یعنی متمایز کردن کالا یا خدمات ناکام می‌ماند. در نهایت، تفاوت میان علامت تجاری و اختراع از منظر حقوق رقابت نکته‌ای است که به هنگام صدور لیسانس اجباری باید آن را ملحوظ داشت. رفتار ضدرقابته‌ی ناظر به اختراع، تنها فناوری یا محصول اختراع‌شده را مدنظر دارد؛ در حالی که اعمال مخل رقابت در خصوص علامت تجاری، به ارتباط ذهنی میان مصرف‌کننده با محصول یا خدمت که با کیفیتی خاص، تحت علامت تجاری عرضه می‌شود، لطمه می‌زند (Dobb, 1976: 602).

با توجه به اینکه یکی از شرایط اعمال دکترین تسهیلات ضروری، ضرورت و جدایی‌ناپذیری موضوع مورد لیسانس است، اگر دارنده علامت تجاری از اعطای مجوز به سایر رقبا امتناع ورزد؛ به این معنا نیست که جامعه از کالا یا خدمت دارای علامت محروم شده باشد، زیرا قابلیت جایگزینی در این حوزه وجود دارد. به عبارتی، دارنده علامت مذکور همچنان به تولیدات خود تحت آن علامت ادامه می‌دهد و در چنین شرایطی محروم شدن جامعه از آن کالا یا خدمت معنایی ندارد؛ مگر اینکه قائل به این باشیم که دارنده علامت از تولید یا ارائه کالا یا خدمت خودداری کرده و در نتیجه دسترسی جامعه را

محدود ساخته است. حتی در این فرض نیز نمی‌توان علامت تجاری را بدون رضایت دارنده آن به سایر رقبا لیسانس داد، زیرا مصرف‌کننده را در شناخت مبدأ و محصول دارای کیفیت خاص دچار سردرگمی می‌کند. هم‌چنین یکی دیگر از شرایط اعمال دکترین تسهیلات ضروری - ضرورت دستیابی به بازارهای پایین‌دست در زمانی که دارنده علامت تجاری دارای موقعیت انحصاری در بازار بالادست باشد - نیز در عرصه علائم تجاری مشاهده نمی‌شود تا به این وسیله صدور لیسانس اجباری قابل توجیه باشد، زیرا همان‌طور که بیان شد بازار از آن کالا یا خدمت به‌طور کلی محروم نمی‌شود و برای ورود به بازار پایین‌دست می‌توان از سایر کالاها یا خدمات بهره برد.

علامت تجاری قادر نیست تا نقش ضروری خود را در سیستم رقابتی ایفا کند مگر اینکه کالاها یا خدمات دارای علامت تجاری تحت کنترل یک شرکت مسئول کیفیت کالاها یا خدمات تولید و ارائه شده باشند. در نتیجه، پذیرش لیسانس اجباری با مبانی حقوق علائم تجاری ناسازگار می‌کند. به‌علاوه، به‌کارگیری لیسانس اجباری به‌مثابه راهکاری برای جبران خسارت در حوزه حقوق رقابت، نه‌تنها باعث تضعیف ارزش نشان مورد نظر می‌شود، بلکه هنجارهای نظام علائم تجاری را نیز به چالش می‌کشد، زیرا مصرف‌کننده درنهایت نمی‌داند آیا علامت تجاری موردنظر تحت سیستم عادی علائم تجاری استفاده شده است یا لیسانس اجباری و در نتیجه قادر به اعتماد به علامت تجاری موردنظر بدون ارزیابی دقیق مالک و مبدأ آن نیست. حتی اگر مجوز بهره‌برداری اجباری صادر شده تحت کنترل‌های کیفی قرار بگیرد، احتمال تحقق شرایط حمایت از حقوق مصرف‌کننده ضعیف است، زیرا لیسانس موردنظر ممکن است برای چندین لیسانس‌گیرنده مستقل صادر شود که انگیزه کمی برای حفظ کیفیت کالا یا خدمات در غیاب سازوکارهای دقیق نظارتی از سوی لیسانس‌دهنده که در چنین شرایطی خود را جفادیده و متضرر می‌بیند، دارند. همچنین ممکن است شهرت علامت تجاری مورد لیسانس به‌وسیله اقدامات شرکت‌های متعدد که احتمال نظارت و کنترل کیفیت مؤثر بر آن‌ها ضعیف است، لطمه ببیند. افزون بر این، گاهی ممکن است لیسانس‌گیرنده با سوءنیت بخواهد به حسن نیت کسب‌شده از طریق علامت تجاری

موردنظر آسیب وارد کند تا بتواند علامت خودش را در موقعیت بهتری در بازار قرار دهد.
(Mandly, 2003:1347).

شایان ذکر است در حقوق اتحادیه اروپا، در مواردی پذیرش و صدور تأییدیه ادغام دو بنگاه دارنده علامت تجاری پرنفوذ در بازار، در گرو اعطای لیسانس علامت تجاری به بنگاهی معین با شرایط خاصی است. این تمهید گاهی به همراه واگذاری دارایی‌های فکری لازم برای تولید یک محصول به منظور بازسازی برند و دادن فرصت کافی برای تثبیت بنگاه دریافت‌کننده لیسانس در بازار و افزایش سهم بازاری آن صورت می‌گیرد (رهبری، ۱۳۹۸: ۱۶۱-۱۶۲)؛ اما نباید از خاطر دور داشت که چنین لیسانس‌هایی در حقیقت نوعی توافق میان بنگاه‌های متقاضی ادغام و مراجع رقابتی در راستای کاهش تبعات منفی رقابتی تمرکز است و در معنای اصطلاحی لیسانس اجباری نمی‌گنجد.

۲-۲-۲. بررسی پرونده‌های مرتبط با لیسانس اجباری علائم تجاری

در برخی پرونده‌های ناظر به علائم تجاری مسئله لیسانس اجباری مطرح بوده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

در سال ۱۹۹۱ دولت آلمان، فرمان بازایافت بسته‌بندی زباله‌ها را صادر کرد که تولیدکنندگان را ملزم می‌ساخت تا بسته‌بندی‌های استفاده‌شده را بازایافت کنند و برای انجام آن می‌توانستند از اشخاص ثالث کمک بگیرند. یک شرکت آلمانی به نام دی اس دی^۱ لوگوی گیرین دات^۲ را به‌عنوان علامت تجاری خود ثبت و شروع به خدمات بازایافت و جمع‌آوری بسته‌بندی‌ها برای تولیدکنندگان در آلمان کرد. تولیدکنندگانی که خواهان استفاده از سیستم دی اس دی بودند، بایستی از این شرکت برای استفاده از علامت تجاری فوق‌الذکر بر روی بسته‌بندی‌هایشان، مجوز بهره‌برداری دریافت می‌کردند. در سال ۲۰۰۱، پیرو طرح شکایت دو شرکت از دی اس دی، کمیسیون اتحادیه اروپا در مقام مرجع رقابتی،

1. DSD

2. Green Dot

اعتقاد داشت که رفتار شرکت دی اس دی ضد رقابتی بوده است. از دیدگاه کمیسیون، این شرکت از موقعیت مسلط خود با محاسبه حق امتیاز بر مبنای بسته‌بندی‌هایی که حاوی علامت تجاری گیرین دات بودند، به جای بسته‌بندی‌هایی که توسط شرکت دی اس دی بازیافت و جمع‌آوری می‌شد، سوءاستفاده کرده و به این وسیله شرایط و قیمت‌هایی ناعادلانه را به بهره‌برداران از این سیستم تحمیل و در عین حال مشتریان را از استفاده از موارد جایگزین محروم می‌کرد (Stothers, 2009: 855). دی اس دی در سال ۲۰۰۹ از این تصمیم کمیسیون نزد دادگاه عمومی اتحادیه اروپا شکایت کرد و اظهار داشت که کمیسیون به اشتباه لیسانس اجباری علامت تجاری گیرین دات را صادر و در نتیجه مفاد صریح تریپس را نقض کرده و با عدم شناخت صحیح از کارکرد اساسی علامت تجاری، موجب گمراهی مصرف‌کننده در انتخاب خدمات موردنظر شده است. دادگاه عمومی با این استدلال دی اس دی مخالف و معتقد بود که کمیسیون در خصوص علامت مذکور لیسانس اجباری صادر نکرده بلکه تنها شرایط لیسانس پیشنهادشده از سوی دی اس دی را محدود ساخته است. به علاوه کارکرد اساسی این علامت، تضمین تمایز مبدأ کالاهای دارای این علامت به مصرف‌کننده نهایی نبود بلکه نشان می‌داد کالاهایی که دارای این نشان بودند، با سیستم دی اس دی جمع‌آوری و بازیافت می‌شدند. دی اس دی از این تصمیم به دیوان دادگستری اروپا شکایت برد که در این مرجع نیز اعتراض آن رد شد. دو ادعایی که دی اس دی در دیوان دادگستری اروپا مطرح کرد، عبارت‌اند از:

الف. دادگاه عمومی موجب اشتباه در معنای لیسانس علامت تجاری شده است؛ از این رو که برای استفاده از علامت تجاری گیرین دات بر روی بسته‌بندی‌هایی که بازیافت نمی‌شد، لیسانس جداگانه در نظر گرفته بود. مجدداً دادگاه عالی این ادعا را رد کرد، با این استدلال که لیسانس علامت تجاری یادشده، مصرف‌کنندگان را به درج علامت تجاری گیرین دات بر روی همه بسته‌بندی‌هایی که به دی اس دی اطلاع داده شده و برای مصرف در داخل کشور آلمان است، ملزم می‌کرد؛ فارغ از اینکه این بسته‌بندی‌ها نهایتاً توسط دی اس دی بازیافت شود یا خیر.

ب. اجازه استفاده از لوگوی علامت تجاری گیرین دات بر روی بسته‌بندی‌هایی که نیز باز یافت نشده بودند، موجب سلب حق انحصاری صاحب آن علامت تجاری می‌شد. در مقابل، دادگاه عالی این ادعا را با این استدلال که در معنای کلاسیک، لوگو یک علامت تجاری نیست و همچنین با توجه به اینکه دی اس دی هنوز می‌تواند علیه اشخاص ثالث نسبت به حق انحصاری علامت تجاری خود استناد کند، رد کرد. شکست دی اس دی نشان‌دهنده رویکرد دیوان دادگستری اروپا است که به مالکان علامت تجاری نشان داد تا در قراردادهای لیسانس، مفاد هنجارمندی را تنظیم کنند تا دچار پیامدهای منفی دخالت نهادهای قانونی که گاه اثراتی نسبتاً مشابه با صدور لیسانس اجباری علامت تجاری دارد، نشوند؛ به عبارت دیگر مالکان علامت تجاری باید از ضد رقابتی نبودن قراردادهای لیسانس علامت تجاری خود مطمئن شوند (Stothers, 2009: 855).

در رخداد حقوقی دیگری در آمریکا در پرونده کمیسیون فدرال تجارت علیه شرکت بُردن^۱، برخی رقبا، شرکت بُردن^۲ را به سوءاستفاده از موقعیت مسلط خود در بازار، به‌منظور ایجاد مانع برای رشد تولیدکنندگان خرد آبمیوه‌های فرآوری‌شده و ممانعت از رقابت در فروش این نوع آبمیوه‌ها و اختلال در بازار متهم کردند. کمیسیون فدرال تجارت پس از احراز اتهام‌ها، لیسانس اجباری علامت تجاری ریلین^۳ را به‌منظور مقابله با انحصار در بازار صادر کرد. همچنین مرجع رقابتی مذکور بر این باور بود که شهرت علامت تجاری متعلق به بنگاه خاخی در طی سالیانی دراز، قرینه‌ای بر وجود قدرت مسلط شرکت بُردن محسوب می‌شد و بنگاه یادشده به گراف بودن قیمت‌های اولیه، محبوبیت و شناخت عمومی شکل ظاهری لوگوی این علامت که از طریق تبلیغات گسترده در طول سال‌ها شکل گرفته بود، آگاهی داشته و از این جایگاه سوءاستفاده کرده است. به‌علاوه این علامت، به دلیل کسب سود بالای حاصل از فروش محصول، به قدرت بلامنازع منطقه در میان رقبایش مبدل شده بود که مانعی برای رقبای بالفعل و بالقوه ایجاد می‌کرد. لذا مرجع رسیدگی‌کننده به این

1. FTC v. Borden

2. Borden

3. Realemon

نتیجه رسید که بهترین راه مقابله با این انحصارگری و باز کردن مسیر ورود رقبا به بازار، صدور لیسانس اجباری علامت تجاری مذکور برای سایر فعالان بازار است (Dobb, 1976: 602). این رأی موجب ایجاد بحث‌هایی جدی شد و در نهایت دادگاه تجدیدنظر آمریکا، این تصمیم را ملغی کرد و اظهار داشت که ایجاد ممنوعیت‌های خاصی چون بالا بردن قیمت‌ها و اقدامات تبلیغاتی به اندازه‌ای مؤثر است که می‌تواند از رقابت نامعقول شرکت بُردن جلوگیری کند و صدور لیسانس اجباری که تبعات سنگین و ناخوشایندی دارد، در چنین موقعیت‌هایی ضروری نیست. مرجع رسیدگی‌کننده به معیارهای صدور لیسانس اجباری از منظر موازین رقابتی در این پرونده اشاره کرد:

۱. تعیین هدف صدور این نوع لیسانس در موارد نقض مقررات حقوق رقابت (مثلاً خاتمه دادن به موقعیت انحصاری در بازار).

۲. ضرورت صدور این نوع لیسانس.

۳. تعیین اینکه در صورت وجود جایگزین بهتر و کمتر سخت‌گیرانه نسبت به صدور لیسانس اجباری، اعمال تدابیر جایگزین ضروری است.

۴. تعیین اعتبار یا عدم اعتبار علامت تجاری؛ در صورت عدم اعتبار آن، صدور لیسانس اجباری می‌تواند برای حذف هرگونه مزایای رقابتی غیرموجه مناسب باشد.

۵. تعیین اینکه علامت، مورد سوءاستفاده رقابتی دارنده قرار گرفته است یا خیر؟

۶. تعیین اینکه آیا مصرف‌کننده در این فرایند گمراه شده است یا خیر؛ در شرایطی که محصولی بدون بررسی و ارزیابی دقیق و تنها به دلیل شناخت اولیه خریداری می‌شود، مصرف‌کننده نشانی را در بازار انتخاب می‌کند که تصور می‌کند تولیدکننده آن تغییری نکرده است. لذا صدور لیسانس اجباری علامت، موجب گمراهی مصرف‌کننده در خصوص مبدأ کالا یا خدمات می‌شود. در حقیقت حتی اگر کیفیت تولید محصولات تحت لیسانس اجباری برابر با کیفیت محصولات صاحب علامت باشد، باز هم این موقعیت خوشایند و مطلوب نیست.

۷. تعیین میزان کیفیت محصول تولیدشده تحت لیسانس اجباری؛ اگر کیفیت محصول تولیدی هم‌تراز با کیفیت اصلی نباشد، مصرف‌کننده متضرر می‌شود (Holmes, 1980: 68). به این ترتیب اگرچه در حقوق امریکا در دهه هفتاد میلادی، در موارد نادری از لیسانس اجباری علامت تجاری، به‌عنوان راهکاری برای تعدیل قدرت ناروای رقابتی دارنده علامت تجاری استفاده شده است (Liu, 2018: 678)، اما دیگر شاهد به‌کارگیری این تمهید نیستیم؛ به‌خصوص با منع صریح تریپس، لیسانس اجباری علائم تجاری با مانع مضاعفی مواجه شده است.

در پرونده دیگری در چین، در سال ۲۰۱۳، دیوان عالی، علی‌رغم تأیید نقض یک علامت تجاری و رأی به پرداخت خسارت، از صدور دستور منع دائم از استفاده از علامت مزبور خودداری ورزید و در نتیجه بهره‌برداری بنگاه ناقض از نشان تجاری یادشده، متعاقب صدور رأی دیوان هم ادامه یافت. برخی از این موقعیت به «لیسانس اجباری بالفعل»^۱ یاد کرده‌اند (Liu, 2019: 8)، در حالی که این برداشت مخالف مفاد ماده ۲۱ تریپس است و اگرچه حکم به پرداخت غرامت و عدم منع دائم از حیث آثار، شباهت کمی با لیسانس اجباری دارد اما این دو موقعیت، از جنبه‌های مختلف با هم متفاوت هستند. در فرایند لیسانس اجباری تقاضای شخص ذینفع باید قبل از نقض اختراع مطرح شود. به‌علاوه آنچه در برابر لیسانس اجباری مقرر می‌شود نوعی «عوض»^۲ است، در حالی که مبلغی که در ازای نقض اختراع یا هر دارایی فکری دیگری از جمله علامت تجاری از سوی دادگاه تعیین می‌شود، نوعی «جبران خسارت»^۳ است و هریک از این دو، مشمول قواعد خاص خود هستند (De Carvalho, 2018: paragraph 21-18- 21-20).

-
1. De facto compulsory license
 2. Remuneration
 3. Compensation

۳. رویکرد حقوق ایران در خصوص صدور لیسانس اجباری در قلمرو علائم تجاری

در ماده ۱۷ قانون اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری که به موضوع لیسانس اجباری می‌پردازد، یکی از مبانی صدور مجوز بهره‌برداری اجباری، وجود منفعت عمومی است که گستره وسیعی همچون امنیت ملی، تغذیه، بهداشت یا توسعه بخش‌های حیاتی اقتصادی کشور را در برمی‌گیرد. در حوزه اختراعات دارویی که نقش سلامت عمومی بسیار پررنگ است، این مبنا جلوه بیشتری می‌یابد. افزون بر این، یکی دیگر از مبانی صدور لیسانس اجباری که ملاحظات رقابتی است نیز در این ماده مغفول نمانده است. ماده مزبور موقعیتی را پیش‌بینی کرده است که بهره‌برداری از اختراع توسط مالک آن یا لیسانس‌گیرنده وی، به‌عنوان رفتار ضد رقابتی تلقی شده و می‌تواند با ضمانت اجرای لیسانس اجباری مواجه شود. طبق بند دوم ماده مذکور، اختیار ارزیابی و صدور لیسانس اجباری به کمیسیون خاصی متشکل از مقام‌های قضایی، دولتی و اداری اعطا شده است.

در یک نگاه سطحی و صرفاً با ملاحظه ظاهر ماده و با عنایت به مفهوم بهره‌برداری در بند نخست ماده ۱۷ قانون مزبور، می‌توان ادعا کرد که امتناع از اعطای لیسانس توسط دارنده حق اختراع، اعطای لیسانس انحصاری به یک لیسانس‌گیرنده و محروم کردن سایرین از حق اختراع، از مصادیق رفتار ضد رقابتی قلمداد می‌شود و برای مقابله با چنین اقدام‌هایی می‌توان از ضمانت اجرای اجبار به اعطای لیسانس اختراع به دیگران بهره گرفت (Rahbari & Seyedin, 2019: 20). ماده ۱۷ در موارد مرتبط با منافع عمومی و رقابت آزاد، به صدور لیسانس اجباری اختراع توسط دولت تصریح کرده است. مشخص است که نمی‌توان این ماده را به حوزه علامت تجاری تعمیم داد، زیرا در قانون مذکور بخش‌های جداگانه‌ای برای حوزه‌های مالکیت فکری از قبیل اختراع، علائم و نام‌های تجاری و طرح صنعتی در نظر گرفته شده است. همچنین در قسمت علامت تجاری، اشاره‌ای به امکان صدور لیسانس اجباری یا قابلیت تعمیم مبانی اختراع به این حوزه نشده و در مقررات مشترک بین دارای‌های فکری موضوع قانون نیز، سخنی از آن به میان نیامده است؛ بنابراین قانون ایران

در خصوص صدور لیسانس اجباری در سایر حوزه‌های مالکیت فکری غیر از اختراع ساکت است. هرچند حداقل در مورد علائم تجاری می‌توان آن را نوعی سکوت در مقام بیان دانست؛ به این تعبیر که اگر قانون قصد داشت لیسانس اجباری را در حوزه علائم تجاری به رسمیت بشناسد، همانند اختراعات، به‌صراحت از آن یاد می‌کرد.

از ماده ۴۴ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری که مقرر می‌دارد در قرارداد لیسانس علامت تجاری، لیسانس‌دهنده باید بر کیفیت و مرغوبیت کالا و ارائه خدمات توسط بهره‌بردار نظارت مؤثر کند؛ در غیر این صورت، قرارداد فاقد اعتبار خواهد بود، این‌طور استنباط می‌شود که رعایت حقوق مصرف‌کنندگان و لزوم جلوگیری از گمراهی آن‌ها در هنگام مواجهه با علامت تجاری، مدنظر قانون‌گذار ما نیز بوده است و همان‌گونه که در قسمت‌های پیشین نیز اشاره شد، در لیسانس اجباری شرایط برای کنترل کیفیت مؤثر مهیا نیست و در چنین شرایطی، این تمهید بیش از اینکه به سود مصرف‌کنندگان باشد به ضرر آن‌ها تمام خواهد شد و لذا عدم تجویز لیسانس اجباری در حوزه علائم تجاری را می‌توان با این توجیه نیز به قانون منتسب ساخت.

از دیدگاه حقوق رقابتی نیز در هیچ‌یک از مواد قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، از صدور لیسانس اجباری به‌عنوان ضمانت اجرایی علیه اقدامات ضدرقابتی حتی در حوزه اختراعات یاد نشده است. ممکن است اظهار شود در قسمت ۱ بند الف ماده ۴۵ قانون مذکور، بیان شده است که «امتناع شخصی یا گروهی از معامله که منجر به اختلال در رقابت شود»، ممنوع است و لذا اگر دارنده علامت تجاری از اعطای مجوز به دیگران اجتناب ورزد، درواقع یک اقدام مخل رقابت مرتکب شده است؛ اما هدف مقنن در ماده مذکور، ممنوع کردن هر نوع امتناع از اعطای لیسانس دارایی‌های فکری نبوده است. ممنوعیت امتناع از اعطای مجوز زمانی توجیه دارد که این عمل به اختلال در رقابت منجر شود. این پیش‌فرض که خودداری توسط شرکتی که دارای موقعیت مسلط در بازار مربوطه نیست، منجر به اختلال در رقابت می‌شود، فرضی دور از ذهن و نامعقول است به عبارت دیگر، بنگاهی می‌تواند رقابت را به واسطه امتناع از اعطای مجوز بهره‌برداری تحت

تأثیر قرار بدهد که نقشی حیاتی در بازار داشته و در حقیقت بنگاهی با موقعیت مسلط یا دارای قدرت بازاری چشم‌گیر باشد؛ اما قابل کتمان نیست که صاحب یک علامت تجاری صرف، از چنین جایگاهی در بازار برخوردار نیست (-20: 2019: Rahbari & Seyedin). با همین استدلال قسمت ۴ بند ط ماده ۴۵ که یکی از مصادیق سوءاستفاده از جایگاه مسلط را بیان می‌کند، اشعار می‌دارد «ایجاد مانع به‌منظور مشکل کردن ورود رقبای جدید یا حذف بنگاه‌ها یا شرکت‌های رقیب در یک فعالیت خاص» را نیز نمی‌توان ناظر به موقعیتی دانست که صاحب علامت تجاری با خودداری از اعطای مجوز بهره‌برداری، مانع ورود رقبای بالقوه به بازار شده یا سبب حذف رقبای موجود از بازار شده است؛ زیرا چنین کارکرد و اثرگذاری چشم‌گیری برای یک علامت تجاری به‌تنهایی قابل تصور نیست و عدم ایجاد فرصت برای رقا در بهره‌برداری از یک نشان تجاری، به حذف یا به حاشیه رفتن آن‌ها منجر نمی‌شود؛ چون آنچه در بازار اهمیت دارد، عرضه و ارائه کالاها و خدمات با کیفیت، تحت هر قسم علامت تجاری است که در طول زمان می‌تواند نظر مصرف‌کنندگان را جلب کند و موقعیت رقابتی دارنده را بهبود بخشد.

موضوع شایان توجه دیگر اینکه اگر صاحب علامت تجاری به کمک دارایی خود دست به اقدامی بزند که بازار رقابتی را متلاطم سازد، روش مقابله با آن، صدور لیسانس اجباری در مورد علامت تجاری نخواهد بود. این برداشت با مذاقه در میان ضمانت اجراهای مقرر در مواد ۵۱ که به تمهیدهای خاص حوزه مالکیت فکری اشاره دارد و هم‌چنین ماده ۶۱ که ضمانت اجراهای عام را شمارش کرده است نیز تأیید می‌شود، زیرا در میان ضمانت اجراهای یادشده که باید توسط شورای رقابت اعمال شود، نشانی از لیسانس اجباری دیده نمی‌شود. در عمل نیز تاکنون نه در رویه شورای رقابت و نه کمیسیون خاص ماده ۱۷ شاهد صدور لیسانس اجباری حتی در حوزه اختراعات نبوده‌ایم.

از منظر الزام‌های رشد اقتصادی کشور در حال توسعه‌ای چون ایران، به نظر نمی‌رسد که صدور لیسانس اجباری علامت تجاری، مزیت خاصی به دنبال داشته باشد؛ حتی چنین اقدامی ممکن است تأثیر نامطلوب بر تلاش دارندگان علائم تجاری در مسیر ارزشمند کردن دارایی

خود بگذارد و به انگیزه آن‌ها برای ارتقاء علامت تجاری تأثیر منفی بگذارد. به‌علاوه این رویه وابستگی غیرموجه بنگاه‌ها را به علائم تجاری سایر فعالان بیشتر می‌کند. اگر کشوری می‌خواهد شاخص‌های اقتصادی خود را از طریق حمایت مؤثر از نشان‌های تجاری و برندسازی بهبود بخشد، بهتر است با به‌کارگیری تمهیدهایی از قبیل تبلیغات کارساز و بالا بردن کیفیت کالای تولیدشده یا خدمت ارائه‌شده و بهبود تصویر عمومی از نشان تجاری، به تثبیت علائم تجاری در بازارهای مختلف مساعدت کند. در حالی که به نظر می‌رسد صدور لیسانس اجباری راهکار مناسبی برای تحقق بخشیدن به این مقصود نیست.

فرجام سخن

با تحلیل ویژگی‌های علائم تجاری در حقوق مالکیت فکری و توجه به مهم‌ترین کارکرد آن یعنی تمایزبخشی محصولات و خدمات و کمک به مصرف‌کننده در انتخاب کالا یا خدمت موردنظر خود و هم‌چنین بررسی موازین بین‌المللی، دکترین و رویه محاکم و مراجع رقابتی، باید گفت که پذیرش لیسانس اجباری در حوزه علامت تجاری بسیار دشوار است، زیرا با بررسی مبنای منفعت عمومی در حوزه علامت تجاری، نمی‌توان مصداق قابل‌ملاحظه‌ای برای این مبنا همانند حوزه اختراعات یافت و صدور لیسانس اجباری را با اتکا به ملاحظات منافع عمومی توجیه کرد، زیرا اصولاً با دسترسی عموم به موارد جایگزین علائم تجاری و کالاها و خدمات مرتبط، بحث محرومیت جامعه معنا پیدا نمی‌کند.

از دیدگاه حقوق رقابتی نیز سوءاستفاده از موقعیت مسلط در حوزه علامت تجاری قابل تصور نیست، زیرا سوءاستفاده زمانی رخ می‌دهد که بنگاه دارای موقعیت مسلط اقتصادی، سایر فعالان بازار را از فرصت‌های رقابتی محروم کرده باشد و سبب حذف رقبا از بازار شود. به نظر می‌رسد حتی در صورت وقوع سوءاستفاده از موقعیت مسلط از سوی دارنده علامت تجاری، جامعه از کالا یا خدمت دارای علامت محروم نشود و صرفاً کالا یا خدمت با قیمت بالاتری به دلیل تنگ شدن مجال رقابت و ایجاد انحصار در بازار، تولید یا ارائه شود که برای حل این مشکل، راهکارهای جبرانی جایگزین مؤثرتر و کم‌هزینه‌تری

وجود دارد. هم‌چنین صدور لیسانس اجباری در این حوزه با استمداد از دکترین تسهیلات ضروری قابل توجیه نیست؛ چراکه شرایط اعمال این نظریه که صدور لیسانس اجباری را قابل قبول می‌سازد؛ از قبیل ضرورت و جدایی‌ناپذیری علامت تجاری و تحدید رقابت در بازار ثانویه به واسطه عدم صدور لیسانس اجباری، در حوزه علامت تجاری فراهم نیست.

در مجموع به نظر می‌رسد که علت اصلی منع ماده ۲۱ موافقت‌نامه تریپس از صدور لیسانس اجباری علامت تجاری، ناتوانی در نظارت کافی بر کیفیت کالای تولیدشده یا خدمت ارائه‌شده از سوی لیسانس‌گیرنده علامت تجاری است. در چنین شرایطی لطمات بیشتری متوجه مصرف‌کننده می‌شود که چه‌بسا قابل جبران نباشد. منع تریپس از صدور لیسانس اجباری علامت تجاری، عدم اشاره سایر اسناد بین‌المللی به این موضوع، هم‌چنین رهیافت دکترین و رویه قضایی و رقابتی سایر نظام‌های حقوقی، بر این استدلال صحه می‌گذارد.

در حقوق ایران نیز به‌درستی ماده ۱۷ قانون اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری صرفاً منحصر به اختراعات شده است و با توجه به مبانی موجود در حقوق ایران، تمهید لیسانس اجباری قابل تعمیم به حوزه علائم تجاری نیست. این تحلیل با استثنائی بودن صدور مجوز بهره‌برداری اجباری و لزوم تفسیر مضیق آن به نفع مالک علامت تجاری نیز سازگارتر است. فارغ از این مطلب که لیسانس اجباری حتی در عرصه اختراعات نیز با اقبال مواجه نشده است، شایسته است در مواقع سوءاستفاده دارنده علامت تجاری یا امتناع از اعطای لیسانس علامت خود به سایرین یا پیشنهاد قیمتی بالا به مصرف‌کننده که نظم رقابتی بازار را بر هم می‌زند، از سایر ضمانت‌اجراهای جایگزین نظیر جریمه یا عدم اعمال موقت حقوق انحصاری بهره جست و به این ترتیب از پیامدهای منفی لیسانس اجباری علائم تجاری نیز احتراز کرد.

منابع

الف. فارسی

- رهبری، ابراهیم؛ جعفری چالستری، محمود (۱۳۹۴) «امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس اختراع؛ تأملی تطبیقی در رهیافت‌های حقوق رقابت آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران»، دو فصلنامه دانش حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، سال بیست و دوم، شماره ۷، صص ۲۲-۴۸.
- رهبری، ابراهیم (۱۳۹۸) «لیسانس اجباری به‌مثابه تمهیدی برای کنترل رقابتی ادغام‌ها؛ نگرشی تطبیقی در حقوق اتحادیه اروپا و ایران»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۷۵-۱۵۷.
- عبدی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۸) «سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط»، حقوق اسلامی (فقه و حقوق)، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۱۲۵-۱۵۵.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰) مبانی حقوق عمومی، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم.
- منصوریان، ناصرعلی؛ شیبانی، عادل (۱۳۹۵) «مفهوم منفعت عمومی و جایگاه آن در قانون‌گذاری ایران» دو فصلنامه علمی - پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۱، شماره ۷۵ و ۷۶، صص ۱۴۲-۱۱۷.

ب. انگلیسی

- Abbott, Thomas, & Gurry, Francis (2019) **International Intellectual Property in an Integrated World Economy**, USA: Wolters Kluwer.
- Allen, Scott (2013) "Justifying the Public Interest in Patent Litigation", **Ind. LJ**, Vol. 88, I. 3, pp. 1047-1087.
- Angelov, Martin (2014) "The "Exceptional Circumstances" Test: Implications for Frand Commitments from the Essential Facilities Doctrine under Article 102 TFEU", **European Competition Journal**, Vol. 10, No. 1, pp. 37-67.
- Aparajita (2015) "Compulsory Licensing of IPR: Interface with Competition Authority" **International Journal for Legal Developments & Allied Issues**, Vol. 1, I. 2, pp.190-20.

- Calboli, Irene (2020) "Trademark licensing and Covid-19: why fashion companies have a duty to comply with their legal obligations" **Journal of Intellectual Property Law & Practice**, Vol. 15, I. 7, pp. 489-490.
- Castanias, Gregory; Gerber, Susan (2005) "Supreme Court to Take another Look at "Automatic" Injunctions for Prevailing Patent Owners in Infringement Cases", (09/07/2021), Available at: https://www.mondaq.com/unitedstates/patent/36716/supreme-court-to-take-another-look-at-automatic-injunctions-for-prevailing-patent-owners-in-infringement-cases?country_id=brazil.
- Ćatović, Haris (2015) "Refusal to License Intellectual Property Rights as Abuse of Dominant Position in EU Competition Law", Master thesis, Faculty of Law, University of Stockholm, pp. 1-115
- Cotter, Thamos (2013) **Comparative Patent Remedies: A Legal and Economic Analysis**, USA: Oxford University Press
- De Carvalho, Nuno (2018) **The TRIPS Regime of Trademarks and Designs**, Netherlands: Kluwer Law International B.V.
- Demiroglou, Aristeidis (2016) "Essential Facilities Doctrine and Intellectual Property Rights: Approaches under the Competition Law", Master Thesis, School of Economics, Business Administration & Legal Studies, International Hellenic University
- Dobb, Sarah (1976) "Compulsory Trademark Licensure as a Remedy for Monopolization", **Cath. UL Rev.**, Vol. 26, I. 3, pp. 585-605
- Dong, Xiaomeng (2015) "Private v. Public Interests: The Principles of Protection", CCPIT Patent and Trademark Law Office, (07/07/2021), Available at: <https://www.ccpit-patent.com.cn/node/2770>
- Dratler Jr, J., & McJohn, Stephen M. (2020) **Intellectual Property Law: Commercial, Creative and Industrial Property**, USA: Law Journal Press.
- Graef, Inge (2011) "Tailoring the Essential Facilities Doctrine to the IT Sector: Compulsory Licensing of Intellectual Property Rights after Microsoft", **Cambridge Student L. Rev.**, Vol. 7, No. 1, pp. 1-20.
- Holmes, Wililiam (1980) "Compulsory Patent and Trademark Licensing: A Framework for Analysis", **Loyola University Chicago Law Journal**, Vol. 12, Issue 1, pp. 43-77.

- Huang, Yong, Wang, Elizabeth & Zhang, Roger (2015), "Essential Facilities Doctrine and Its Application in Intellectual Property Space under China's Anti-Monopoly Law", **George Mason Law Review**, Vol. 22, I. 5, pp. 1103-1126.
- Kanevid, Malin (2007) "Compulsory Licensing of Intellectual Property Rights With emphasis on The Incentives Balance Test", Master Thesis, Faculty of Law, University of Lund.
- Lidgard, Henrick. (2009) "Refusal to Supply or to License", **Europarättslig Tidskrift (Journal of European Law)**, Vol. 4, pp. 694-712.
- Liu, Kung-chung (2019) **Features of Trademark Laws and Cases in Major Asian Jurisdictions**, UK: Routledge
- Liu, Kung-Chung (2018) "The Need of and Justification for a General Competition-Oriented Compulsory Licensing Regime", **International Review of Intellectual Property and Competition Law**, No. 6, pp. 679-699.
- Mandly, Charles (2003) "Article 82 of the EC Treaty and Trademark Rights", **Trademark Rep.**, Vol. 93, No. 6, pp. 1314-1353.
- Marotta, Christopher (2013) "Licensing in the public interest: Limits on Patent Property Rights in China and India", **Journal of Intellectual Property Law & Practice**, Vol. 8, I. 3, pp. 213-225.
- Michel, Paul (2020) "To Promote Innovation, Congress Should Lessen Restrictions on Injunctive Relief for Patent Owners", **The National Law Review**, Vol. 11, No. 100, (09/07/2021), Available at: <https://www.natlawreview.com/article/to-promote-innovation-congress-should-lessen-restrictions-injunctive-relief-patent>
- Narmiq, Marwa (2018) "Refusal to License Intellectual Property Rights as an Abuse of Dominance under EU Competition Law: What is the Best Solution for Legal Certainty from a Rule of Law Perspective?", Doctoral Dissertation, Faculty of Law, University of Central Lancashire
- Office of the Attorney General for the District of Columbia, (2021) "AG Racine Files Antitrust Lawsuit against Amazon to End its Illegal Control of Prices Across Online Retail Market", (19/02/2022), Available at: <https://oag.dc.gov/release/ag-racine-files-antitrust-lawsuit-against-amazon>

- Rahbari, Ebrahim & Seyedin, Ali (2019) "Enforcement Instruments against Competition-Distorting Collusion and Unilateral Conduct within the Intellectual Property Realm: A Study of the Approaches in Iranian Law", **IIC-International Review of Intellectual Property and Competition Law**, Vol. 50, No. 3, pp. 305-330.
- Reese, Anthony (2012) "Copyright and Trademark Law and Public Interest Lawyering" **UC Irvine L. Rev**, Vol. 2, I. 3, pp. 911-929.
- Stothers, Christopher (2009) "ECJ upholds 'compulsory licences' of Green Dot Trademark", **Journal of Intellectual Property Law & Practice**, Vol. 4, I. 12, pp. 854-857.
- Tushnet, Rebecca (2018) "Intellectual Property as a Public Interest Mechanism", **In the Oxford Handbook of Intellectual Property Law**, pp. 1-28.
- Wegner, Harold (2005) "Injunctive Relief: A Charming Betsy Bommerang", **Nw. J. Tech. & Intellectual Property**, Vol. 4, I.2, pp.155-170.
- Wijesinghe, Prasadi (2018) "Conflict between Private Rights and Public Interest in Intellectual Property Rights Law", pp. 1-8, (09/07/2021), Available at:
https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3160532
- Wong, Hilary (2020) "The Case for Compulsory Licensing during COVID-19", **Journal of Global Health**, Vol. 10, No. 1, pp. 1-5

